

شماره: ۶۰

جزوه مطالعاتی

قارگاه شهید باقری

بهشتی
تشکیلات

جزوه پیش رو گفتاری از اسدالله بادامچیان در سال ۶۱ به مناسبت سالگرد درگذشت شهید بزگوار دکتر بهشتی است که در فومن ارائه گردیده است. وی در این جزوه بررسی اجمالی در خصوص احزاب غربی و شرقی داشته و از معایب آنها سخن به میان می آورد و در نهایت ویژگی های یک تشکل اسلامی را از زبان شهید بهشتی یادآور می شود.

بسم الله الرحمن الرحيم

من المؤمنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله علیه فمنهم من قضی نحبه و منهم من یبغض.

با درود به امامت امت و سلام به همه شهیدان کربلاهای مکرر تاریخ بالاخص شهدای ۷۲ تن عاشورای ایران، سخن گفتن از هم سنگران عزیز. من در این شبهایی که یاد آور آن شب بسیار پر حادثه و حساس است، برای امثال من بسیار مشکل است.

سالهای دراز در کنار بهشتی‌ها، اسلامی‌ها، درخشانها و سایر ۷۲ تن بودم و در یک شب، داغ همه آنها را به دوش کشیدند و مهمتر آن رسالتی که بدوش هر سربازی می‌آید در هنگامیکه همسنگرش شهید میشود. علاوه بر آن که داغ آن را به دل دارد و بایستی جای او را پر کنند و تفنگ او را بدوش بگیرد، و با دشمنان بجنگد سخن گفتن در اینگونه مراسم در این شبها بسیار مشکل است.

اما به یاد آن شهیدان با مدد گرفتن از انفاس قدسیه آنان بحثی را که تقدیم شما برادران و خواهران بهشتی گونه خودمان میکنم و مسئله بهشتی و تشکیلات است چرا معتقدم که از بهشتی عزیز مظلومتر مفهوم حزب و تخریب در جامعه ما است.

به این علت که هنگامی که بحث از حزب به میان آید مخصوصاً در آن آغاز بسیاری ترسیمی از احزاب غربی یا شرقی در ذهنشان پدید می‌آید. مخصوصاً در آغاز انقلاب هنگامیکه بحث از حزب می‌شد بسیاری از افراد بودند که خیال میکردند حزب یک واژه غربی است و سوغاتی از غرب آمده.

درست است آن استقبال عظیم را از حزب جمهوری اسلامی کردند اما برآستی مفهوم حزبی که بهشتی و در یاران او در حزب جمهوری میخواستند برای بسیاری از همین توده‌های مشتاق روشن و آشکار نبود.

تجربه گذشته این ملت از حزب و تحزب مخصوصا از تاریخ مشروطیت، برای آنها حزب را بصورت يك تجمعی، از قبیل تجمعا و تشکلهای غربی در آورده بود، با خاطره‌های تلخ، و یا برای آنها از حزب ترسیمی و تصویری مانند احزاب کمونیست ترسیم میکرد. غافل از آنکه، ما در قرآن کریم حدود ۲۲ جا کلمه حزب و احزاب را در می‌یابیم در قرآن يك سوره به نام احزاب است و یکی از تقسیم‌بندی‌های قرآن حزب است. این تأکیدی که در قرآن بر حزب الله میشود و بر حرکت‌های متشکل و منسجم میگردد، ما را به این رهنمود میکند که قرآن تکیه بر روی تحزب و تشکل بسیار دارد بالاخص مسئله حزب الله و حزب الشیطان در آنجا که خداوند میفرماید فان حزب الله هم الغالبون و فلاح. غلبه را برای حزب الله میداند. در قسمت شیاطین حزب الشیطان را معرفی میکند و آن چیزی که انسان میتواند برداشت کند از این آیات این است که در مقابل حزب شیاطین، تنها با يك تحزب حزب الهی میتوان ایستاد این که در قرآن حرکت ناس را مطرح نمیکند و از امت پیرو به گفتم خیر امتاً اخرج لناس نام میبرد و اینکه در اکثر موارد گروه را در مقابل گروه و حرکت‌های اجتماعی قرار میدهد قابل تعمق است.

و از همین جا انسان پی میبرد که علاوه بر تمام ضرورت‌هایی که ذکر میشود در مورد کار آمادگی حرکت‌های متشکل و منسجم علاوه بر آن از نظر فرهنگ اسلامی نیز ما به جمع و حرکت‌های جمعی بیش از حرکت فردی توجه داریم. اینکه در اسلام سالی یکبار يك گنگره جهانی است در مراسم حج، هفته‌ای یکبار در نماز جمعه بدور هم آنها را جمع میکند و به دور هم فرا می‌خواند و حتی در عبادتش مثلا نماز مسئله فرد را مطرح نمی‌کند بلکه مسئله جمع را مطرح میکند و سفارشات مکرر قرآن و احادیث به این نوع حرکت‌ها ما را به این میرساند که اسلام به حرکت‌های جمعی و متشکل هدایت خاص دارد.

بنابراین، در زمان آن فراری نگون بخت در يك زمانی شعاری درست کرده بودند (ما تابع قرآنیم، ما حزب نمیخواهیم) از بی سوادى او سرچشمه میگرفت، چرا که تابع قرآن، خود را در حزب الله متشکل می بیند. تخریب حزب الله و لغت حزب به معنای يك جمع است به معنای فرد و مسلم است که حزب با ناس و امت به معنای مردم، بایستی تفاوت داشته باشد در این رشته بطور مفصل میتوان صحبت کرد اما مقصودم تحزب اسلامی را و تحزب نه شرقی و نه غربی را در این انقلاب که معیارش نه شرقی و نه غربی است شرح دهم)

اگر ما می بینیم در قرآن بحث در حزب الله است و یا می بینیم شهدای ارجمندی مانند شهیدی بهشتی و باهنر و یا یاران حجت الاسلام خامنه ای و حجت الاسلام هاشمی و بسیاری از اسلامشناسان ما بر تحزب اسرار دارند. این تحزب را باید بدانیم که چه نوع تحزبی است این تحزب شرقی نیست و تحزب غربی نیست.

حزبهای غربی آنچه آنچنان که ما در تاریخ گذشته امثال آن را زیاده می بینیم الگوئی هستند از احزاب غرب که در فرهنگ غرب رشد کرده اند و برای حفظ نظام و حکومت غرب بکار می روند یعنی احزاب در غرب مبنای پاسداری از نظام غربی پیدایش می یابند و برنامه آنها بر اساس معنویت نیست براساس ماهیت است. آنها خیلی تلاش بکنند می خواهند رفاه و سعادت مادی مردم کشورشان را براساس باورداشتهای و فرهنگ غرب بنا کنند آنها اگر حزب می خواهند مقصودشان از حزب این است که در انتخابات مبارزه کنند، مبارزه انتخاباتی و پست و موقعیت و مقام بیابند احزاب غرب گونه ما در ایران نیز اکثراً بهمین اساس است ولو اینکه مؤسسين آنها مسلمان باشند. و با اینکه بخواهند از طریق این تحزب اسلام را یاری دهند در تاریخ گذشته بدون ذکر نام آنها ما اینگونه احزاب را می بینیم چون بر اساس فرهنگ غرب و حزبی غربی شکل یافته اند شبکه بندی آنها، شیوه مبارزات آنها، تقلیدی از احزاب غربی است، یعنی اگر احزاب غربی

همه ذکر و بحث‌شان مبنای دمکراسی غربی است و آزادی است اینها نیز اصل حرکت و مبنای آنها آزادی و استبداد است نمونه حکومتی و آزادی که می‌طلبند که يك حکومت مشروطه غربی است همچنانکه در شمار گذشته می‌دیدیم آنروز که در مشروطه اینها پیروز شدند کوشیدند يك حکومت بر مبنای انگلستان در ایران روی کار بیاورند با اینکه رهبری آن نهضت بدست علما بود و گره‌های متدین آنها بلکه بارها از همین سرچشمه تا دم این مجلس سابق ب خاک و خون غلتیدند و بارها این سرزمین و این قسمت از خاک سرچشمه خون آلود شده عناصر متدین و مسلمان بودن اما از آنجا که رهبری سیاسی و حزبی آنها بدست عناصر غزب زده بود می‌کوشیدند يك حکومت غربی سرکار بیاورند، مبارزه آنها، شیوه مبارزه پارلمانی بود شعارهاشان آزادی غربی بود آزادی اسلامی، زیر اشتباه نکنیم، آزادی و دمکراسی که در فرهنگ غرب ترجمه میشود با آزادی که در مکتب اسلام مطرح میگردد، از زمین تا آسمان فرق می‌کند، آزادی غربی بقول شهید بهشتی بیشتر آزادی هرج و مرج و بی‌بند و باری است. و این غیر از آن آزادی است که حسین عزیز ما در ظهر عاشورا می‌فرمایند اگر دین ندارید فکونوا احد فی دنیاکم این حریت اسلامی حریت غربی نیست این که علی (ع) میفرماید **و لا تکن عبد غیرک و قد جملک الله حراً** حریتی که علی (ع) می‌خواهد بگوید آن آزادی غربی نیست این يك آزادی اوج یافته و در حد اعلاء است و انسان را از این حریت ماهیت به اوج یافته و در حد اعلاء است و انسان را از این حریت ماهیت به اوج معنویت میرساند. و در انقلاب ما، انقلابی که در آغاز امام عزیزمان می‌فرمود من برای حکومت اسلامی قیام کردم و ملت و امت ما به خاطر اسلام جان داده- است و ما را چه کار به آن قانون غرب زده، مشروطه و این افراد شعار می‌دادند اصلاحات آری دیکتاتوری نه در بهمن ۴۱ در فراندنم قلبی شاه، که قصدش رفراندوم نبود قصدش اصلاحات نبود، قصدش از

بین بردن اسلام بود و موقعی که امام و این امت فریاد می کشیدند که این رفتارندم قلبی مخالف اسلام است اینان می گفتند اصلاحات آری دیکتاتوری نه و در طول این مدت همیشه بحث بر سر آزادی داشتند و مبارزه شان هیچوقت « مبارزه ای نبود که از حد مبارزات در چهارچوب قانون پافرا بگذارد. »

تاریخ را میخواستند بگویند از مشروطه شروع میکردند و از آغاز آن نهضت آزادی غربی در ایران، معیار ارزشیابی افراد برای آنها طرفدار مشروطه بودن یا نبودن بود و لذا حیدر عموقلی خائن کافر و کمونیست برایشان يك آزادی خواه بحساب میآمد و مرحوم شیخ فضل الله برایشان يك طرفدار استبداد و به آن ارزش می دادند. و این را دارای آن ارزش نمی دانستند این شیوه حزب غربی کار را به آنجا رسانده بودند که در ماههای سال ۵۷ ملت که در يك انقلاب می - خواست ننگ رژیم دو هزار و پانصد ساله شاهنشاهی را به دور بیاندازند می گفتند.

شاه باید سلطنت کند نه حکومت، می گفتند قانون اسلامی مشروطه این را می گویند. و شما نباید بر خلاف قانون مشروطه عمل بکنید در مقابل این احزاب غربی يك تحزبهای شرقی « در کشورها پدید آمد که الگو و سرمشق و نمونه آنها سازمانها و احزاب غربی (کمونیست) بود.

اینان بر اساس شبکه بندی آنها تشکیلات دادند و آن تشکلاتی که از شرق گرفته بود آنها را به سوی يك حرکت کفرآمیز شرقی پیش بوده نمونه اعلاء آن سازمان مناقین بود با آن تشکیلات که این تشکیلات و شیوه مبارزه را از شرق گرفته بود.

و می گف تنها راه رهایی جنگ مسلحانه است درست است که ما جهاد مسلحانه را قبول داریم و خود در مؤتلفه اسلامی با اجازه امام اولین جناح مسلح را به کمک شهید حاج مهدی عراقی شهید حاج صادق امانی و شهید سید علی اندرزگو و اینگونه یاران بنا گذاشتیم، اما تنها

راه رهایی جنگ مسلحانه نبود دیدیم پیروی انقلاب فقط در آن خلاصه نمی‌شود و حتی اصلاحات سیاسی را از شرق گرفته بودند از قبیل، مرتجع، مترقی، پیشتاز، و امپریالیزم و سایر مسائل بروژا. و خورده بروژا این چیزهایی که در فرهنگ اسلامی جای ندارند. شبکه‌بندی آنها شبکه‌بندی شرقی بود همان شبکه‌بندی که برای حفظ نظام دیکتاتوری کمونیستی است احزاب کمونیستی برای چه تشکیل شده‌است؟

و پدید آمده‌اند؟ برای برقراری دیکتاتوری به اصلاح خودشان پرولتاریا که اینجور نیست واقعاً برای دیکتاتوری یک گروه محدودی است و ما به هر کشور شرقی که سفر کرده‌ایم این دیکتاتوری را به شدیدترین وجه لمس کرده‌ایم. آنها این شبکه‌بندی ما برای حفظ این دیکتاتوریه‌ها می‌خواهند اگر به تاریخ این شبکه‌بندی‌ها مراجعه کنیم می‌بینیم دیکتاتوری شدید در درون آنها حاکم است.

و اگر در جایی سلطه یافتند دیکتاتوری شدیدی در محیط و جامعه خودشان پدید آورده‌اند این شبکه‌بندی‌ها، سازمان‌گرایی سازمان باوری تشکل محوری و تعصبات خشک، به افرادش به ارمغان می‌دهد. و این نوع تحزب‌ها و تشکله‌ها، افراد در درون خودش را، انسانهای انتخاب‌کننده آزاد نمی‌سازند. انسانهایی می‌سازد بصورت یک ابزار بالا اراده، و موجودی سحر شده شیوه تبلیغاتی تشکیلاتی اینها و آموزشهای تشکیلاتی اینها بگونه‌ای است که فر را از خود بی‌خود می‌کند.

و بصورت یک ابزار بدون اراده در می‌آورد. بهمین علت است که شما دیده‌اید عناصری که از شما وارد سازمان مناقضین همانند افرادی هستند که هیچگونه استدلال بر آنها مؤثر نیست کر و کور و نابینا و ناشنوا هستند از دستش اعلامیه‌ای که می‌گوید جمهوری اسلامی بچه ۱۲ ساله را اعدام کرده‌است و این عمل را تقبیح میکنند با اینکه چنین

چیزی وجوه ندارد و دروغ است در اینحال همین کسی که این کار را می کند به خاطر کارگر عزیزی که می رود بچه یکسال و نیمه را که به مادرش پناه بده آویزان می کنند و شهید میکنند، ماشینی را آتش می زند و بچه سه ساله را شهید می کنند می سوزانند.

بمبی به داخل خانه‌ای می اندازند و پیرمرد و پسر زن و پسر زن بچه، کوچک، بیگناه همه را از بین می برد بمبی منفجر می کند بچه دانش-آموز که به مدرسه می رود تکه تکه پاره می کنند اگر يك مقدار شعور انسانی و وجدانی او آزاد بود از این سحر آن تبلیغات تشکیلاتی هرگز به چنین جنایتی دست نمی زد.

و اگر حداقل می توانست آن مسئله ای که سازمانش برایش تبلیغ میکند بفهمد حداقل دیگر نمی آید این کار را بکند گذشتگان این سازمان بعضی هاشان برای اینکه بمبی را در جایی منفجر کنند که کسی کشته نشود خودشان گیر می افتادند و اینان میگویند می خواهیم راه آنها را دامه بدهیم.

و آنگاه اینگونه در يك شب در این مکان ۷۳ نفر انسان را شهید می کنند.

این جانی بالفطره در آن شب به افراد اصرار میکرد بیاید بروید توی سالن، يك برادر کوچک مان مرحوم شهید بالاگر که گناهی نکرده بود کسی بود که آمده بود ضبط میگذاشت، خوب ای جانی با بهشتی مخالف هستی ابن ملجم ها همیشه با علی گونه ها مخالف بودند و اما چرا اینها را شهید می کنیم؟ اینها چه گناهی کرده اند؟ این نوع شبکه بندی ها این نوع تشکیلات شرقی یکی از عوامل است که افراد را بدینگونه می پروانند. اگر مفهوم تحزب در بین مان این مفهوم غربی یا شرقی را بیاید چه فاجعه بزرگی است آیا بهشتی ها و یارانش این چنین تشکیلاتی می خواستند؟ هرگز چنین تشکیلاتی نمی خواستند آن تشکیلاتی که اسلام می خواهد این نو تشکیلات نیست آن تحزبی که حزب الله قرآن است این گونه تشکیلات نیست.

آن يك تحزبی است بر مبنای معنویت همه چیزش از الله آغاز می شود و به الله ختم میگردد، همه کارها با بسم الله شروع میشود مسیر سبیل الله را می پیماید، جهت اش الی الله است، برنامه اش ما انزل الله است، هدفش لقاء الله است، انگیزه اش رضوان الله است، و در تمام مراحل میکوشد که عناصری که در این تحزب جمع اند عبدالله باشند، و خلیفه الله باشند و انصار الله باشند و مهاجر الی الله باشند. این تشکیلات مورد توجه اسلام است، ما این نوع تشکیلات را نه از غرب می توانیم تقید کنیم نه از شرق. ما این تشکیلات را نمیتوانیم برویم از کتابهای دانشمندان غربی یا شرقی در بیاوریم. ما باید برگردیم به قرآن ببینیم قرآن « عزیز، خداوند تبارك و تعالی در مورد عناصری که در حزب الله هستند چه ویژگیهایی را می شمرد.

اینها که خداوند می گویند **یحب و یحبون و رضی الله عنهم و رضوانه** چه کسانی هستند این تشکل که میخواهند اینگونه عناصر را در بر بگیرد چه نوع شبکه بندی چه نوع شیوه مبارزاتی چه نوع توجیه و تبیین و چه اساسنامه و مرامنامه ای باید داشته باشند.

ما اگر این نوع تحزب را میخواهیم بشناسیم باید برگردیم به زندگی پیامبر اگر هم (ص) ببینیم او در دوران مکه چه نوع تشکیلاتی دارد. یکی نوع تشکیلات قوی دارد.

و در دوران مدینه که حکمت از آن اسلام است پیامبر در راس آن حکومت است چه نوع شبکه بندی و چه نوع تشکیلاتی دارد. ما اگر تشکیلات میخواهیم باید برگردیم. ببینیم ائمه اطهار (ع) علی (ع) امام حسن (ع) امام حسین (ع) امام صادق (ع) امام کاظم (ع) امام باقر (ع) چه نوع شبکه بندی دارند اینها دارای يك شبکه بندی عظیم هستند. امام کاظم (ع) شبکه بندی بسیار مهمی دارد. امام صادق (ع) يك شبکه بندی قوی دارد. که در سه دوره آخر خلافت اموی و بعد دوران انتقال خلافت از بنی امیه به بنی عباس يك شبکه بندی دارد که با شبکه بندی دوران حکومت صفا و منصور دوانقی خیلی با هم تفاوت دارد.

اینها از بین احادیث ما از تاریخ زندگی ائمه ما روشن آشکار است. این نوع تشکل است که بهشتی‌ها می‌خواهند و می‌خواستند پدید بیاورند و بایستی هم اگر می‌خواهیم ایران را سراسر بهشتی کنیم باید این مفهوم تحزب و حزب اسلامی، حزب، نه شرقی نه غربی را بشناسیم به آن عمل کنیم.

در این قسمت یکی از آخرین رهنمود تشکیلاتی شهید بهشتی که سه روز قبل از شهادت در مدرسه رفاه برای ما گفته بود چند فراز را می‌خوانم ایشان می‌گفتند:

در آنروز ما همچنان برداشتن يك تشکل پافشاری داریم و شرط آن تشکل آن است ۱- باید پاسدار ارزشها باشد نه پاسدار خود، هر وقت این تشکیل بجای آنکه نگهبان ارزشها باشد و تلاش گر در راه ارزشها باشد. بجای آنکه خداپرست و حق‌پرست، حق خواه، کمال دوست و کمال خواه باشد خود خواه شد آن يك طاغوت میشود و چه بهتر که چنین طاغوتی بر سر راه امت نباشد.

۲- تشکل ما باید سازنده ی ما، آسان کننده، خودسازی برای ما و کمک به سیر الی الله برای شرکت کنندگان در این تشکل باشد. هر وقت یکی از ما جمع ما به تشکل مان مشعل و سرگرم شدیم چنین تشکلی لهُو میشود و باید از آن پرهیز کنیم.

۳- تشکل ما بایستی به درد مردم بخورد و باری از دوش مردم بردارد نه اینکه يك باری باشد بر روش این جامعه که در آن هنگام لغو میشود.

(پس از این تشکیلات نه باید بت باشد، نه باید لهُو باشد و نه نباید لغو باشد). این نوع تشکل است که بهشتی می‌خواهد این نوع تشکل است که در درون این تشکیلات دیکتاتوری درون تشکیلاتی دیکتاتوری تحزب و تشکیلات در جامعه پدید نمی‌آورد. چرا چون شهید بهشتی در دنباله همین رهنمود الهام گونه می‌گوید.

ما مؤسسين هر گز نمی خواستیم يك چنین چیزی بوجود بیاوریم مثل يك سربازخانه و يك اردوی كار اجباری ما از اول گفته بودیم كه امتیاز بزرگ اسلام این است كه میخواهد با حفظ آزادی های انسان، انسانها را بسازد تشکیلات ما آهنین نیست و آهنین نخواهد بود.

تشکیلاتی است كه انسانها در درونش احساس حرکتی خود ساز و آزاد می کنند و تشکیلاتی كه میکوشد تا انسانها را هم سوء كند نه ایكه انسانها را غالبی بسازد این آن تحزبی است كه بهشتی ها میخواهند تحزب نه شرقی و نه غربی و فقط تحزب اسلام تحزبی كه آزادی آو راست.

یادم نمی رود آن جمله بسیار گرانها شهید بهشتی در فروردین ۵۸ در صحن مطهر حضرت معصومه (ع) می گفت: ای طلاب عزیز اسلام انقلاب ما را پیروز کرده است دنیا و آخرت برای همه ما می آورد دینی است كه **یعلوا و لا یعلوا علیه** امام موظب باشید موقعی كه می خواهید بروید این اسلام را عرضه بدارید توجه داشته باشید كه **لا اكراه فی - الدین** و انسانها بگونه ای آفریده شده اند كه می خواهند حتی آزادیشان را آزادانه بدست بیاورند ، نكوشید بر آنها، تحمیل كنید این آزادی را آزادانه بدست آوردن، مسئله مهمی است.

امیدوام كه در این وقت كم توانسته باشم گوشه ای از آن چیزی كه بهشتی ها در يك تحزب اسلامی میخواستند تقدیم بدارم.

روان همه شان شاد، خداوند به همه توفیق بدهد كه بهشتی گونه بار سنگین رسالتی كه بدوش همه ما خون این شهدا گذاشته سرفرازانه به پایان ببریم.

والسلام علیكمو رحمه الله و برکاته

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
«غلطنامه»

| سطر | صفحہ | صحیح | غلط |
|-----|------|-----------|---------|
| ۲ | ۴ | امتاً | امتن |
| ۴ | ۴ | تعمق | تحقق |
| ۳ | ۸ | احراراً | احداً |
| ۵ | ۸ | حراً | حداً |
| ۷ | ۸ | حذیف | حربز |
| ۱۰ | ۱۰ | اسطلاحانہ | اصلاحات |
| ۱۲ | ۱۰ | بروژا | پورژوا |
| ۵ | ۱۴ | رانمی | ایمنی |
| ۸ | ۱۵ | تبعین | تبعین |
| ۱۰ | ۱۵ | اکرم | اگرہم |

تشکل ما باید سازنده ی ما، آسان کننده، خودسازی برای ما و کمک به سیر الی الله برای شرکت کنندگان در این تشکل باشد. هر وقت یکی از ما جمع ما به تشکل مان مشغل و سرگرم شدیم چنین تشکلی لهو میشود و باید از آن پرهیز کنیم.

تشکل ما بایستی به درد مردم بخورد و باری از دوش مردم بردارد نه اینکه يك باری باشد بر روش این جامعه که در آن هنگام لغو میشود. پس از این تشکیلات نه باید بت باشد، نه باید لهو باشد و نه نباید لغو باشد.

شهید آیت الله بهشتی

مرکز مطالعات قرارگاه شهید باقری
سازمان بسیج دانشجویی
آدرس: تهران، خیابان طالقانی، تقاطع مفتح،
سازمان بسیج دانشجویی، ساختمان شهید باقری
شماره تماس: ۰۲۱-۸۸۳۸۱۵۵۶
سامانه پیامکی: ۶۶۰۰۰۳۵۲
نشانی اینترنتی: q-b.ir



قرارگاه شهید باقری بسیج دانشجویی